

Original Article

Common Principles of Western Human Rights and Islamic Human Rights from the Perspective of Humanitarian Jurisprudence with a Look at the Beliefs Verses of the Qur'an

Mahjoubeh Abedi¹, Majid Vaziri^{2*}

1. Ph.D. Student in Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: dr.majid.vaziri@gmail.com

Received: 31 Des 2018 Accepted: 20 May 2019

Abstract

Universal human rights have Common concepts with Islamic human rights, these Included justice and equality, freedom, human dignity, security and the right to freedom of thought and Opinion. Notwithstanding the existence of universal norms on human rights, which has been approved by international organizations, including the United Nations, There are still various Perceptions and interpretations of human rights. Among these differences are the fundamental differences between Islamic human rights and Western human rights, which in this regard offer different approaches. The present Research, for Examine their approaches, is trying to compare the two principles study and it tries explain Islamic human based on the Beliefs verses of the Qur'an. In this regard, these questions arise: What are the most important differences between Islamic and Western human rights?. What is the advantage of the idea of Islamic human rights over the Universal Human Rights, which has a western and secular basis?. The present research shows that the basis of universal human rights is natural or contractual and situational rights, while Islamic human rights is based on humanitarian jurisprudence and divine revelation. Western human rights is not universal and is more based on Western values and it designed for liberal democracy systems, but Islamic human rights on based of the inherent and acquired principle of human dignity, has a universal view. Western human rights have a negative mood also, but Islamic human rights have a positive approach. The method used in this study is descriptive-analytical, that has collected information through a library and documentary approach.

Keywords: Human Rights; Western Human Rights; Islamic Human Rights; Humanitarian Jurisprudence

Please cite this article as: Abedi M, Vaziri M. Common Principles of Western Human Rights and Islamic Human Rights from the Perspective of Humanitarian Jurisprudence with a Look at the Beliefs Verses of the Qur'an. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 207-221.*

اصول مشترک حقوق بشر غربی و حقوق بشر اسلامی از منظر فقه بشردوستانه با نگاهی به آیات اعتقادی قرآن

محبوبه عابدی^۱، مجید وزیری^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: dr.majid.vaziri@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۰ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۳۰

چکیده

حقوق بشر جهانی دارای مفاهیم مشترکی با حقوق بشر اسلامی از جمله توجه به عدالت و برابری، آزادی، کرامت انسانی، داشتن امنیت و حق برخورداری از عقیده و اندیشه آزاد می‌باشد. علی‌رغم وجود قواعدی جهانی در زمینه حقوق بشر که توسط سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد مطرح شده است، برداشت‌ها و تفاسیر درباره حقوق بشر همچنان محل مناقشه فراوان است، از جمله می‌توان به تفاوت‌های بنیادین حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر غربی اشاره کرد که رویکردهای متفاوتی در این زمینه ارائه می‌دهند. پژوهش حاضر درصدد است تا با بررسی اصول مشترک دو طرف، رویکردهای آنان را بررسی نماید و حقوق بشر اسلامی را بر مبنای آیات اعتقادی قرآن تشریح نماید. در همین راستا، این سؤالات مطرح است که مهم‌ترین تفاوت‌های حقوق بشر اسلامی و غربی کدام است؟ مزیت ایده حقوق بشر اسلامی نسبت به حقوق بشر جهانی که مبنایی غربی و سکولار دارد، کدام است؟ از نتایج پژوهش حاضر این است که مبنای حقوق بشر جهانی، حقوق طبیعی یا قراردادی و وضعی است، در حالی که حقوق بشر اسلامی بر مبنای فقه بشردوستانه و وحی الهی بنا شده است. حقوق بشر غربی، جهان‌شمول نیست و بیشتر بر مبنای ارزش‌های غربی و برای نظام‌های دموکراسی لیبرال طراحی شده است، اما حقوق بشر اسلامی بر مبنای اصل «کرامت» ذاتی و اکتسابی انسان‌ها، دیدگاهی عام و جهان‌شمول دارد. همچنین حقوق بشر غربی بیشتر حالتی سلبی دارد، اما حقوق بشر اسلامی رویکردی ایجابی مطرح می‌کند. روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که با شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای اطلاعات را جمع‌آوری کرده است.

واژگان کلیدی: حقوق بشر؛ حقوق بشر غربی؛ حقوق بشر اسلامی؛ فقه بشردوستانه

مقدمه

حقوق بشر جایگاه مهمی در عصر حاضر پیدا کرده است، هرچند پیشینه موضوع حقوق بشر در امپراتوری‌های گذشته از جمله ایران باستان نیز دیده می‌شود، اما این موضوع به طور خاص در عصر مدرن و با وقوع انقلاب فرانسه و بعدها با تأسیس سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد بر سر زبان‌ها افتاد. حقوق بشر دارای ابعاد متفاوتی است که مهم‌ترین آنان شامل حقوق اقتصادی - اجتماعی، حقوق سیاسی، حقوق فرهنگی و حقوق محیط زیستی است. با این حال، در زمینه حقوق بشر، نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی گسترده‌ای شکل گرفتند که هر یک به نوبه خود درصد موضوعاتی خاص در زمینه حقوق بشر است.

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که به طور خاص، پدیده حقوق بشر امروزی را باید برآمده از «ایده حقوق طبیعی» در سده هفدهم دانست که تا پایان سده هجدهم در قاره آمریکا و فرانسه، به یک آرمان سیاسی مبدل شده بود. می‌توان گفت که «حقوق بین‌المللی بشر» در ژانویه ۱۹۴۱ با پیام موسوم به به «چهار آزادی» فرانکلین دلانو روزولت رییس‌جمهور آمریکا خطاب به کنگره طرح‌ریزی شده و در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ با اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد پدید آمد (۱). بنابراین جنگ جهانی دوم، تحولات ناشی از آن و شکل‌گیری جنگ سرد نقش قابل توجهی در مطرح شدن آرمان حقوق بشر داشته است. سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای محلی در کشورهای گوناگون برای متحد کردن مردم در برابر تجاوزات جنگی، اعمال خشونت‌آمیز دیکتاتورها و خودسری‌های متجاوزان به حقوق انسان‌ها حامی ایده حقوق بشر شدند. بنابراین در اواخر جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد، حقوق بشر به عنوان یک رژیم حقوقی بین‌المللی شناخته شد (۲). بدین معنا که ساز و کارها، قوانین و اعلامیه‌های آن در دسترس عموم ملت‌ها قرار گرفت و به عنوان ایده‌ای جهان‌شمول مورد پذیرش ملت‌ها و دولت‌ها در سراسر جهان قرار گرفت.

پذیرش ایده حقوق بشر و تصویب قوانینی در راستای اجرای مفاد آن در سراسر کشورها به معنای پذیرش تمام و

کمال آن از سوی کشورهای مختلف نیست، به این دلیل که ایده حقوق بشر، از نظر مکاتب و ایدئولوژی‌های سیاسی مختلف، دارای تفاسیر و تعبیر متفاوتی است و هر یک از نظام‌های سیاسی می‌کوشند تا ایده متناسب با ایدئولوژی خود را بسط دهند. حقوق بشر اسلامی که به طور مشخص برگرفته از فقه اسلامی و منابع دینی از جمله آیات قرآن و روایات است، بر ارزش‌های جهان‌شمول از جمله کرامت انسانی، آزادی، عدالت و برابری و همچنین توسعه حقوق سیاسی، اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی تأکید می‌کند. از این منظر، حقوق بشر اسلامی، بر منابع و نصوص دینی متکی است که برخلاف ایده‌های حقوق بشر غربی، جایگاه خاصی برای معنویت و خدامحوری در نظر می‌گیرد. بنابراین حقوق بشر غربی و حقوق بشر اسلامی، علی‌رغم اصول مشترکی که بین آنان وجود دارد، دارای مبانی متفاوتی هستند که نتایج مختلفی را نیز به بار می‌آورند. پژوهش حاضر درصدد است تا مقایسه‌ای میان اصول مشترک حقوق بشر غربی و حقوق بشر اسلامی انجام دهد و از این رهگذر، ایده حقوق بشر اسلامی را از منظر آیات اعتقادی قرآن مورد واکاوی قرار دهد. به دلیل طرح انتقادات گسترده از ایده حقوق بشر غربی و بروز ناکامی‌ها در جهان‌شمولی نظریه مزبور، ضرورت پرداختن به سایر نظریه‌های حقوق بشر در سطح جهان، از جمله حقوق بشر اسلامی احساس می‌شود. بنابراین طرح ایده مطلوب حقوق بشر اسلامی با بهره‌گیری از آیات قرآن تا حدود زیادی می‌تواند خلأ نظریه‌پردازی در این زمینه را برطرف سازد و راه‌کار مناسبی برای توسعه حقوق بشر در سطح جهان پدید آورد. علاوه بر بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، رویکرد مقایسه‌ای نیز در این پژوهش به چشم می‌خورد.

اصطلاحات و تعاریف

۱- حقوق؛ چیستی و ابعاد آن

«حقوق» جمع «حق» واژه‌ای عربی و به معنای ثبوت، سزاوار، راست، امتیاز، مال و نصیب به کار رفته، ولی اصلی‌ترین معنای آن ثبوت و تحقق است. بنابراین «حق» که مصدر است، به معنای ثبوت خواهد بود و همین معنا را ابن فارس در معجم

یا نژاد یا رنگ یا جنس آن‌ها ندارد و آن‌ها را حقوق انسان می‌نامند (۱۰). علاوه بر این، حقوق بشر، مجموعه‌ای از قواعد و مقررات حقوقی بین‌المللی است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها از منزلت و کرامت انسانی تمام افراد و یا گروه‌ها، صرفاً به دلیل این‌که انسانند در مقابل دولت‌ها حمایت می‌کند (۱۱). این تعاریف با صرف نظر از تفاوت‌ها، همگی در این امر مشترک هستند که حقوق بشر آن دسته از حقوقی است که انسان به دلیل انسان بودن و فارغ از جنس، نژاد، رنگ، زبان، طبقه اجتماعی یا اوضاع اجتماعی یا میزان قابلیت‌ها از آن برخوردار است. در این تعاریف - که با اسناد حقوق بشری نیز همسویی دارد - بر این نکته تأکید می‌شود که این دسته از حقوق از طبیعت انسان ناشی می‌شوند و به همین دلیل ذاتی بشرند.

۳- ابعاد حقوق بشر غربی

حقوق بشر امروزی که در اعلامیه‌ها و برنامه‌های سازمان‌های جهانی از جمله سازمان ملل متحد دیده می‌شود، آشکارا غربی و مبتنی بر آموزه‌های سکولار و غیر مذهبی است که بیش از همه مورد حمایت کشورهای غربی نیز قرار می‌گیرد. این پیوستگی بیش از هر چیز ناشی از نقش حوادث و وقایع تاریخی اروپای غربی و آمریکا در شکل‌گیری و تدوین اعلامیه‌های حقوق بشری است. از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه: انقلاب کبیر فرانسه را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ حقوق بشر دانست. این اعلامیه، مصوب ۲۶ اوت ۱۷۸۹ مجلس ملی فرانسه است که با تکیه بر حقوق طبیعی به نکاتی تأکید می‌ورزد که حقوق انسان، جهانی و در تمام زمان‌ها و مکان‌ها معتبر و وابسته به طبیعت انسانی است. این اعلامیه نخستین بار با وارد کردن مفهوم حقوق بشر در حقوق موضوعه، برای مردم، حق و برای دولت تکلیف ایجاد کرد که متشکل از ۱۷ ماده می‌باشد و به صراحت بیان می‌کند که افراد آزاد به دنیا می‌آیند؛ حق آزادی، آزادی بیان، آزادی مذهب، حق برابری و سرانجام حق مالکیت دارند (۱۲).

- علاوه بر این، اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز وجود دارد که نسبت به اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه از جایگاه

مقابلیت ذکر کرده‌اند (۳). مصطفوی، لغت‌شناس قرآنی نیز ریشه این واژه را ثبوت مطابق با واقع دانسته و معتقد است که این قید در تمام مصادیق حق که در قرآن به کار رفته، اخذ شده است (۴). برخی این ثبوت را به معنای اصطلاحی حق نیز سرایت داده‌اند و چنین بیان می‌کنند که در همه معانی لغوی و اصطلاحی حق، یک نحو «ثبوت» ملحوظ است، خواه تکوینی و حقیقی باشد و خواه قراردادی و اعتباری (۵)، اما حقوق در معنای اصطلاحی هم به معنای اختیارها، امتیازها و توانایی‌ها و هم مجموعه قوانین و مقررات تعریف شده است، یعنی حق توانایی خاصی است که کسی نسبت به شخصی یا چیزی دارد و در نتیجه در آن تصرف و یا از آن بهره‌ای می‌برد و یا به عنوان اسم جمع عبارت از: مجموعه قوانین و مقررات الزامی حاکم بر جامعه و روابط اشخاص که مقامات دارای صلاحیت با هدف استقرار عدالت، امنیت و ایجاد نظم وضع کرده‌اند (۶).

۲- مفهوم حقوق بشر

واژه «بشر» و «انسان» و «آدم» در لغت برای مذکر و مؤنث، چه مفرد و چه جمع اطلاق می‌شود. راغب در مفردات می‌گوید: «بشره» ظاهر پوست انسان و «ادمه» باطن آن است و به انسان از آن جهت بشر گفته می‌شود که پوستش از میان مو آشکار و نمودار است، برخلاف حیوانات (۷)، اما درباره اصطلاح حقوق بشر، تعریفی که همه صاحب نظران آن را بپذیرند، ارائه نشده است، حتی در اسناد مهم بین‌المللی مانند منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تعریف روشنی برای حقوق بشر وجود ندارد. بنابراین هر کس از منظر خود و در چارچوب مبانی و اصول خود به تبیین آن پرداخته است. به عنوان مثال، در یکی از تعاریف چنین بیان شده است: حقوق بشر به معنای امتیازاتی کلی است که هر فرد انسانی طبعاً دارای آن است (۸). همچنین در جای دیگری، «حقوق بشر» ناظر بر قوانین انسان‌گرایانه و به تعبیر دیگر انسان‌محور (اومانستی) است (۹). در تعریفی دیگر، همه افراد از جهت انسانیت دارای حداقل حقوقی هستند که ربطی به حیثیت و تابعیت یا مذهب

منطق اخلاقی ممکن است با تکیه بر این ایده‌های تاریخی پشتیبانی شود: ۱- مفهوم حقوق بشر، مفهومی غربی است؛ ۲- غرب، پیشینه‌ای از امپریالیسم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارد که هنوز پایان نیافته است (۱۵).

علاوه بر این، انتقاد دیگر این است که ایده حقوق بشر با تکیه بر منطق لیبرال دموکراسی، تنها در قالب اعلامیه‌ها و مفاد حقوق بشری، داعیه جهان‌شمول دارد، در صورتی که لیبرال دموکراسی یک قسم از اندیشه بشری است که ممکن است با پذیرش دیگران همراه نباشد و تحمیل آن بر دیگران، آشکارا تبعیض و بی‌عدالتی است. در این زمینه، اندیشه نگران‌کننده این است که چنین تبعیضی شاید تنها یکی از کاستی‌های محتمل تمام نظریات ارائه‌شده تاکنون نباشد و نیز خود ایده چنین لیبرالیسمی ممکن است نوعی تضاد در عمل باشد، یعنی قسمی خاص‌گرایی خزیده در نقاب امر جهان‌شمول (۱۶).

انتقادات از حقوق بشر به عنوان ایده‌ای غربی تا جایی پیش رفته است که اغلب متفکران غربی نیز بر این موضوع صحنه گذاشته‌اند. از این منظر، نهادهای لیبرال دموکراتیک غربی و زبان غربی حقوق بشر تنها یک بازی سیاسی ممکن از میان دیگر بازی‌هاست و نمی‌تواند مدعی باشد که رابطه خاصی با عقلانیت دارد (۱۷)، ضمن این‌که پیوند ایده حقوق بشر با مواضع سیاسی کشورهای سردمدار لیبرال دموکراسی از جمله ایالات متحده آمریکا، به نوبه خود باعث القای این مسأله می‌شود که کشورهای غربی از این موضوع به عنوان حربه‌ای برای فشار بر سایر کشورها، از جمله جهان اسلام بهره‌برداری می‌کنند. به عنوان مثال، جنگ سال ۲۰۰۳ در عراق ممکن است به عنوان نمونه‌ای از بهره‌گیری از حقوق بشر برای مشروع جلوه‌دادن توسعه‌طلبی سیاسی [غرب] در نظر گرفته شود (۱۵).

بنابراین هرچند اصول مشترکی در میان آموزه‌های حقوق بشری در سطح جهان دیده می‌شود که بر ابعاد حقوق بشر تأکید می‌کنند، اما به دلیل تسلط حقوق بشر غربی بر سایر گونه‌های حقوق بشری، انتقادات زیادی بر علیه آن مطرح شده است، حتی برخی مکاتب حقوق بشری از جمله حقوق بشر

بالتری برخوردار است و مبنایی برای حقوق بشر در سراسر جهان شمرده می‌شود. این اعلامیه، مشتمل بر ۱ مقدمه و ۳۰ ماده، مصوب دسامبر ۱۹۴۸ است. نکته قابل ذکر در این اعلامیه آن است که تهیه و تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر حدود دو سال طول کشید و هیچ فرد مسلمانی در کمیته تدوین اعلامیه حضور نداشت، هرچند کشورهای مسلمان در سازمان ملل حضور داشتند، اما آن‌ها با هم‌کیشان تحت استعمار خود از این جهت برابر بودند که هیچ‌گونه مشارکتی در تدوین اعلامیه جهانی نداشتند (۱۳). با این حال، امروزه اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان مهم‌ترین منبع حقوق بشر در جهان، مبنای بسیاری از میثاق‌ها و تعهدات حقوق بشری است و بسیاری از اقدامات در قالب تدوین کنوانسیون‌ها صورت می‌گیرد.

به همین دلیل، متفکران غربی به صراحت، ایده حقوق بشر را ایده‌ای غربی تلقی می‌کنند که عدم پذیرش آن از سوی کشورهای مختلف (غیر غربی) نوعی تعصب‌ورزی است، چنانچه برخی در این باره چنین بیان می‌کنند: «ما اندیشمندان اروپامحور خواهان آن هستیم تا تلقین کنیم که ما، انسان‌های الگو، با استفاده از استعداد نمونه‌وار انسانی، یعنی خرد، بر این کوتاه‌اندیشی بنیادی غلبه کرده‌ایم. بنابراین می‌گوییم هم‌عقیده نشدن با ما تعصب است» (۱۴). بنابراین الگوی حقوق بشر غربی به عنوان الگوی مطلوب معرفی می‌شود که عدم پیروی از اصول و قواعد آن به معنای نقض قواعد بین‌المللی به شمار می‌رود. به همین دلیل، برخی نیز برقراری حقوق بشر را مستلزم وجود قواعدی می‌دانند که برای حفاظت از کرامت انسانی محدودیت‌هایی بر سرنوشت بشر تعیین می‌کنند (۲). بدین ترتیب پذیرش حقوق بشر غربی آشکارا به معنای نادیده گرفتن ارزش‌های سایر جوامع است.

مسأله تعلق داشتن حقوق بشر به آموزه‌های غربی و سکولار باعث طرح انتقاداتی در این زمینه شده است، به طوری که برخی، مفاد و اعلامیه‌های حقوق بشری را صرفاً غربی می‌دانند که نمی‌تواند ارزش‌های سایر جوامع را در خود جای دهد. از این منظر، تحمیل حقوق بشر بر همه جهان، نشانگر ناشکیبایی و رفتار امپریالیستی است که نمی‌توان آن را توجیه کرد. این

اسلامی، ایده‌های جدیدی را مطرح می‌کند که علاوه بر پوشش انتقادات حقوق بشری، ایده‌ای ایجابی نیز به شمار می‌رود.

حقوق بشر در اسلام

حقوق بشر اسلامی که برگرفته از فقه و نصوص دینی از جمله قرآن کریم و روایات است، ایده خود را در زمینه حقوق بشر مطرح ساخته است. در این رویکرد، ایده‌هایی چون کرامت، عدالت، آزادی، امنیت، وفای به عهد و... موارد بسیار دیگر ریشه در تعالیم انبیای الهی داشته است، البته در حوزه مبانی و اصول و حتی برخی از مفاهیم مرتبط با حقوق بشر، تفاوت‌هایی میان حقوق بشر در اسلام و حقوق بشر رایج در غرب وجود دارد (۶). نکته قابل ذکر آن است که، این دو نظام حقوقی به صورت مبنایی یک تفاوت بزرگ با هم دارند؛ این که مبنای حقوق بشر غربی، حقوق طبیعی یا قراردادی و وضعی است، در حالی که مبنای حقوق بشر اسلامی وحی الهی و سنت معصومین (ع) لحاظ گردیده است و به نوعی حقوق اکتشافی از وحی و سنت معصومین در نظر بوده است و به طور قطع بر اساس حقوق طبیعی انسان‌هاست. بنابراین تکوین اولیه نظام حقوقی اسلام را باید در پرتو نزول آیات قرآن و سنت معصومان (قول و فعل و تقریر) جستجو کرد.

در همین زمینه، عمید زنجانی می‌گوید: «بدون تردید با مراجعه به نصوص اسلامی و تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی در طول پانزده قرن می‌توان به وضوح به این حقیقت پی برد و وجود یک تصور و اندیشه مشخص اسلامی در زمینه حقوق بشر را دریافت که مسائل حقوق بشر چه در تئوری و چه در عمل همواره در تاریخ اسلام مطرح و مورد توجه بوده است» (۱۸). بدین ترتیب پیشینه حقوق بشر در اسلام در دو مقطع تاریخی عصر نزول قرآن که بسیاری از آموزه‌های حقوق بشری در قالب آیات، حتی آیات اعتقادی نازل شده، عصر معصومان (ع) و اندیشمندان اسلامی کاملاً مشهود است.

اندیشمندان اسلامی میان طبیعت انسان و فطرت انسانی تفاوت قائل شده، البته هر دو را ارج نهاده‌اند. بنابراین تمام حقوق انسان را باید در پرتو دو نگاه بررسی کرد: یکی جنبه

طبیعی او که فرع است؛ دیگری جنبه فطری او که اصل است و اگر در ارزیابی حقیقت انسان، او را منحصر در جدار طبیعت بدانیم، بخش مهم واقعیت وی را انکار کرده‌ایم (۱۹). بنابراین از آنجا که حقوق پاسخگوی نیازهای انسان اعم از طبیعی و فطری است، می‌توانیم حقوق بشر را بر اساس اندیشه اسلامی این‌گونه تعریف کنیم: حقوقی است برخاسته از طبیعت و فطرت الهی که پاسخگوی استعدادها و تأمین‌کننده نیازهای مادی و معنوی اوست (۶).

۱- حقوق بشر اسلامی و مسأله آزادی

آزادی دین و عقیده که به عنوان یکی از مبانی حقوق بشر محسوب می‌شود، به صراحت در آیات قرآن بیان شده است و متفکران گوناگونی بر این موضوع صحنه گذاشته‌اند. برخی از آیات قرآن به صراحت، آزادی عقیده و بیان را به عنوان یکی از حقوق اولیه و اصلی انسان‌ها بیان کرده‌اند. جایی که بیان می‌دارد: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛ در قبول دین، اکراهی نیست، (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است» (۲۰).

بنابراین قرآن کریم به عنوان مبنای حقوق بشر اسلامی، آزادی عقیده را پذیرفته است و حتی اذعان می‌دارد که مسیر انحراف و مسیر حقیقت از هم مشخص گشته‌اند و وظیفه انسان است که میان این دو راه یکی را انتخاب کند. در تأیید همین رویکرد، باز در آیاتی دیگر چنین بیان شده است: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ؛ و بگو حق از پروردگارتان [رسیده] است پس هر که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند» (۲۰).

بدین ترتیب قرآن با تکیه بر اختیاری بودن پذیرش دین و عقیده، اجبار انسان‌ها را در این زمینه نفی می‌کند، چنانچه برخی آیات ناظر بر اختیار تکوینی انسان بر «پذیرش» یا «عدم پذیرش» دستورات دینی است و همین اختیار است که دینداری او را ارزشمند و بی‌دینی او را نکوهیده می‌کند؛ مفسران به استناد این آیه، تحمیل دین و عقیده را در اسلام

۲- عام بودن قواعد حقوق بشر اسلامی

مهم‌ترین ویژگی حقوق بشر جهانی می‌بایست این مسأله باشد که قواعد عام و جهانی را برای آحاد بشری در نظر بگیرد. به نظر می‌رسد این مسأله به دلیل پیوستگی عمیق حقوق بشر جهانی با لیبرال دموکراسی غربی دچار خدشه شده است. به طوری که می‌توان گفت حقوق بشر در سطح جهان، اولاً می‌بایست مقبولیت جهانی ناشی از اراده و تصمیم عام بین‌المللی داشته و سازگار با همه فرهنگ‌ها و جهان‌بینی‌ها باشد؛ ثانیاً نسبت به همه افراد انسانی در هر کجای جهان، شامل و فراگیر باشد (۲۳). به همین دلیل، از آنجا که این فرهنگ، از فرهنگ لیبرالیسم (سکولار) غرب سرچشمه می‌گیرد، برای آن‌هایی که شاید بر پایه باورهای مذهبی‌شان به دیگر آیین‌های اخلاقی و سیاسی غیر لیبرال پایبندند، ممکن است گیرایی نداشته و تعهدآور نشود (۱۵).

از طرفی دیگر حقوق بشر اسلامی با نگاهی ویژه، تفاوت‌های جنسی، نژادی، قومی و زبانی را عاملی برای شناخت بیشتر انسان‌ها می‌داند و هرگز این تفاوت‌ها را وسیله‌ای برای برتری بر دیگران قلمداد نمی‌کند. جایی که با لفظ فراگیر «یا أَيُّهَا النَّاسُ»، همه را از یک مرد و زن می‌داند که تنها برای شناخت همدیگر، قبیله قبیله شده‌اند. به فرموده قرآن کریم: «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست، خداوند دانا و آگاه است!» (۲۰).

از این منظر، همه انسان‌ها - از لحاظ پیوند نسبی - به یک پدر و مادر می‌رسند و همه با هم برادر و خواهر می‌باشند و تفاوت‌هایی که با گذشت قرون و اعصار از جهت رنگ‌ها، نژادها، قبیله‌ها، لهجه‌ها و لغت‌ها به وجود آمده است، همه و همه از عوارض زندگی است. بنابراین با توجه به این‌که همه از

مجاز نمی‌دانند (۲۱)، البته انسان، از نظر تشریحی اجازه ندارد که به احکام الهی پشت کند.

بنابراین اگر بتوان آزادی دینی اقلیت‌ها و حاشیه رفته‌ها را به عنوان حق مسلم انسان‌ها دانست، حقوق بشر اسلامی با تکیه بر آموزه‌های قرآنی به صراحت از آن دفاع می‌کند. بنابراین مذاهب و اقلیت‌های مذهبی در سایه حکومت اسلامی امنیت اعتقادی دارند. علاوه بر این، سرنوشت هر قومی در قرآن کریم به دست همان قوم سپرده شده است و اگر در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، مشکلات و مصائبی دیده می‌شوند، راه تغییر از میان مردم همان قوم آبه تعبیر امروزی جامعه] می‌گذرد. در این معنا، سرنوشت و اختیار هر قومی به دست خود آنان سپرده شده است. همانطور که قرآن کریم بیان می‌دارد: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ این به خاطر آن است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی‌دهد، جز آنکه آن‌ها خودشان را تغییر دهند و خداوند شنوای دانا است» (۲۰).

علاوه بر این، برخی آیات، حتی حق انتخاب مکان زندگی و تغییر محل آن را به دست خود مردم آنجا سپرده است و بر مهاجرت (فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ) به عنوان راهی برای غلبه بر اجبارها یاد کرده است. بنابراین همه انسان‌ها حق دارند محل اقامت خود را انتخاب کنند و در آن زیست کنند و کسی نمی‌تواند این امر را به زور به انسان تحمیل کند (۲۲). به نظر می‌رسد، ملزم‌نشدن به دین و عقیده خاصی نیز می‌تواند در زمره این مسائل به حساب آید. به عبارتی دیگر، حقوق بشر اسلامی در بحث آزادی دین و عقیده، نه تنها انسان را آزاد می‌گذارد، بلکه حتی در صورت مشاهده اجبار و فشاری از انسان‌ها می‌خواهد که با ترک مکان و محل زندگی خویش، بر عقیده خود باقی بمانند. بدین ترتیب در مسأله آزادی، حقوق بشر اسلامی نه تنها وجه سلبی آن را مد نظر قرار می‌دهد، بلکه با ترغیب انسان‌ها به تغییر وضعیت زندگی خویش و همچنین مهاجرت از آنان می‌خواهد که بر مبنای عقاید و اندیشه‌های خود عمل نمایند.

وحشیانه مثل سلاح‌های شیمیایی و میکروبیولوژیک و هسته‌ای و روش‌های تغییر محیط همچنین مکر و نامردی نیز به استناد قرآن و روایات ممنوع است (۲۶). همچنین در اسلام، اسیران جنگی دارای حقوق و احکامی هستند که مسلمانان به هر شکل، موظف به رعایت آن می‌باشند، از جمله این حقوق، احترام به اسیر و رفتار محبت‌آمیز با او می‌باشد (۲۷). این موضوع به خوبی در سیره معصومین (ع) نمایان است. جایی که در نهج‌البلاغه از زبان علی (ع) آمده است: «چنانچه شکست دشمن با اراده خدا محقق گشت، پس هیچ فرد در حال فرار را نکشید، جان هیچ مجروحی را نستانید، زنان را با آزار و اذیت تهییج نکنید، هرچند که به ناموس شما دشنام دهند و به فرماندهان شما فحش گویند، زیرا آنان از نظر نیرو و جان و عقل ضعیف‌البنیه هستند. ما به روی گرداندن از آنان در حالی امر می‌شدیم که آنان مشرک بودند و اگر مردی، زنی را در جاهلیت اذیت می‌کرد، بدین نحو که با سنگ کوچکی او را ادب می‌کرد یا با عصای خود به او حمله می‌نمود، تا آخر عمر، خود و خانواده‌اش برای این کار مورد تمسخر قرار می‌گرفت» (۲۸).

۳- اصل کرامت انسانی

اصل کرامت انسانی، اصلی مشترک در حقوق بشر غربی و جهانی و حقوق بشر اسلامی است که البته تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. در ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر درباره کرامت انسان آمده است: تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق برابرند. اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز، بشر را یک خانواده و همه را در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسؤولیت برابر دانسته است. در اسلام دو نوع کرامت برای انسان وجود دارد: کرامت ذاتی که همه انسان‌ها از آن برخوردارند و بر اساس این اصل، جان، مال، آبرو و سایر حیثیات هر انسان مسلمان و غیر آن محترم است، مگر خودش با رفتار مجرمانه موجب سلب آن بشود و کرامت ارزشی که بر اثر به کارگیری استعدادها در مسیر رشد و کمال حاصل می‌شود (۲۲). بنابراین در نگاه قرآن آیات متعددی حکایت از ارزش و کرامت ذاتی انسان دارد. درباره کرامت ذاتی انسان می‌توان به این آیه شریفه استناد کرد که می‌فرماید: «هُوَ

یک جنس و برادر و خواهر هستید و خدای شما هم یکی است، نباید با تکیه بر این عوارض پا از دایره وحدت و اتحاد بیرون بگذارید و راه اختلاف و نفاق و دشمنی با هم را در پیش بگیرید (۲۴). به تعبیر امروزی می‌توان گفت وجود نژادها، آیین و اقوام مختلف، کشورهای متفاوت و... راهی برای شناخت انسان‌ها از یکدیگر و هرگز ملاکی برای برتری و تحمیل یک عقیده بر دیگری نیست. این مسأله فارغ از نگاه جنسیتی و به فرموده خداوند متعال در راستای پرستش خداوندی صورت گرفته است که همه را در قالب یک «امت واحده» مورد خطاب قرار می‌دهد. جایی که می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ؛ این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امت واحدی بودند و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید!» (۲۰).

بدین ترتیب براساس بررسی عباراتی نظیر: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ»، «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» و «أُمَّةً وَاحِدَةً» باید گفت که حقوق بشر اسلامی دارای نگاه فراگیری است و برخلاف حقوق بشر غربی، تنها به حمایت از ایده مد نظر خود نمی‌پردازد. بر این اساس، منظور از امت، نوع انسان است که جمعی واحد با هدف و مقصودی واحد را تشکیل می‌دهد و آن هدف واحد، عبارت است از سعادت حیات انسانی (۲۱)، ضمن این‌که ملاک تقوا برای تعیین برتری میان انسان‌ها به معنای آن است که در تعالیم اسلامی، محدودیت به قومیت، نژاد، ملیت و مانند آن وجود ندارد و انسان‌ها از نظر حقوق انسانی، برابر و یکسانند (اصل عدم تبعیض). همچنین حقوق بشر اسلامی در آیات قرآن، به مقتضای فطری‌بودنش باید پاسخگوی نیازهای بین‌المللی و الزاماً دارای حقوق بین‌الملل باشد. به همین دلیل، اسلام توجه خاصی به گسترش روابط بین‌المللی دارد و همواره جهانیان را به توحید فرامی‌خواند (۲۵). علاوه بر این، حقوق بین‌الملل اسلامی، در عرصه‌های مختلف حقوق جهانی از جمله جنگ، شرایط پس از جنگ، رسیدگی به جنگ‌زدگان و آوارگان قواعد منحصر به فردی ارائه می‌دهد. به عنوان مثال از نظر قواعد حقوق بشردوستانه اسلامی، به کارگیری وسایل

محیط زیست سالم دانست (۲۹). علاوه بر این، تصریح بر اصل کرامت همه انسان‌ها در سیره و سخنان پیامبر و اهل بیت هم مشاهده می‌شود، چنانچه نقل شده است که «روزی پیامبر با جمعی از یاران نشستند، ناگاه جنازه‌ای را از کنار ایشان عبور دادند، پیامبر به پاس احترام آن جنازه به پا خاست، یکی از یاران اعتراض کرد و گفت: این جنازه مردی یهودی است، رسول اکرم فرمود: آیا این جنازه، انسان نیست؟» (۳۰) همچنین حضرت علی (ع) نیز همه انسان‌ها را فارغ از دین و ملیت و نژادشان قابل احترام می‌دانست و از ایشان نقل شده که می‌فرمایند: «ای مردم حضرت آدم (ع) نه برده‌ای از او به دنیا آمده و نه کنیزی، همه فرزندان او آزادند» (۳۱).

علاوه بر مسائل فوق، حقوق بشر اسلامی در زمینه حفظ کرامت انسان‌ها، حتی در شرایط جنگی نیز قواعدی را تعیین می‌کند که می‌تواند در قالب قواعد «حقوق بین‌المللی بشردوستانه اسلامی» مطرح شود. بدین ترتیب اصول اسلامی بیان شده در زمینه کرامت انسان‌ها چه در شرایط صلح و چه در شرایط جنگ، نتایج بسیاری را به دنبال دارد که ممنوعیت جنگ با مردم غیر نظامی و تمایز بین جنگجو و غیر جنگجو، منع جنگ با افراد بی‌سلاح، مجروح، بیمار، زن، کودک، پیر و... از آن جمله است (۳۲).

۴- عدالت و برابری و حقوق بشر اسلامی

در قاموس حقوق بشر اسلامی، عدل در معنای واقعی، یعنی قراردادن هر چیزی در وضع مناسب خود (۳۳)، ضمن این‌که عدالت و برابری به عنوان شاکله‌های حقوق بشر امروزی، جایگاه مهمی در حقوق بشر اسلامی دارند، به طوری که ابعاد عدالت در اسلام، شامل عدالت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، قضایی و... می‌شود، حتی قرآن کریم، کتاب آسمانی ما، هدف والای همه انبیا را برقراری عدالت بر روی زمین می‌داند و چنین می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما پیامبران را فرستادیم، و همراه آنان، کتاب آسمانی و میزان تشخیص حق و باطل را فرو فرستادیم، تا مردم، عدالت را بر پا دارند» (۲۰).

الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ...؛ او خدای است که (همه) شما را از یک فرد آفرید...» (۲۰). بنابراین ذات انسان‌ها یکی است و همه آنان به ذات اقدس باری تعالی متصل هستند. از این رو توانایی رسیدن به قرب الهی را نیز دارند. بدین ترتیب در اندیشه اسلامی، انسان در ارتباط با خدا معنا می‌یابد و او مقام خلیفه الهی داشته و حقوق وی نیز بر این اساس تنظیم می‌شود. معیار حقوق بشر اسلامی حفظ کرامت انسان و هویت واقعی اوست (۱۹). این موضوع به طور مشخص برخلاف رویکرد فردگرایی مندرج در حقوق بشر غربی است. بدین ترتیب نگاه دین اسلام، نگاهی فراتر از جنسیت است و با بیان «نفس واحده» همه انسان‌ها را مخاطب خویش می‌داند.

حقوق بشر اسلامی علاوه بر کرامت ذاتی به کرامت اکتسابی نیز اشاره می‌کند که به نوبه خود راهی برای شکوفایی استعداد انسان‌ها در پرتو عقل بشر و هدایت رسولان است. از این منظر، ایده حقوق بشر اسلامی طرحی ایجابی و مثبت است. قرآن کریم در برخی از آیات این‌گونه انسان‌ها را صاحب کرامت و واجد غلبه بر خشکی و دریا معرفی می‌کند: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم» (۲۰).

در این آیه خداوند به صراحت از کرامت همه انسان‌ها سخن گفته است. علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید: «بر مبنای این آیه جنس بشر فارغ از فضائل اختصاصی و معنوی مورد نظر است و مسلمان و غیر مسلمان یکسان هستند (۲۱). از منظر حقوق بشر اسلامی، آثار مترتب بر کرامت ذاتی انسان را می‌توان حق حیات، حق آزادی در عقیده و رفتار، حق امنیت روحی و جسمی و برخورداری از حقوق عادلانه اجتماعی، مانند حق آموزش، حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن در امور سیاسی و حق برخورداری از بهداشت و

آیه شریفه زیر این‌گونه بیان می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید» (۲۰).

در زمینه عدالت سیاسی و ایجاد فرصت و شرایطی برای شهروندان، حقوق بشر اسلامی، دیدگاه‌های قابل تأملی را بیان می‌کند. در همین راستا، پیامبر گرامی اسلام (ص) در زمینه اهمیت حکمرانی و فرمانروایی در پرتو عدالت، چنین می‌فرماید: «عدالت‌ورزی به مدت یک ساعت، بهتر است از عبادت به مدت هفتاد سال، همراه با شب زنده‌داری و روزه‌داری» (۳۰). بنابراین حقوق سیاسی یکی دیگر از ابعاد عدالت در حقوق بشر اسلامی است که در قالب اصل «مشورت» در آیات قرآنی خود را نشان می‌دهد. آیه زیر می‌تواند یکی از مصادیق عدالت سیاسی در زمینه حقوق بشر اسلامی تلقی شود. به بیان قرآن کریم که می‌فرماید:

«... وَ أَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ...؛ ... و [کسانی که] کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست...» (۲۰). همچنین در همین زمینه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «با مردم فروتن، نرم خو و مهربان باش، گشاده‌رو و خندان باش. در نگاه‌هایت و در نیم‌نگاه و خیره‌شدن به مردم، به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستم کاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند» (۲۸).

۵- حقوق بشر اسلامی و مسأله صلح و امنیت

برقراری صلح و امنیت یکی از اهداف اساسی حقوق بشر جهانی شمرده می‌شود. با این حال، برخی مواضع مداخله جویانه به بهانه حمایت از حقوق بشر و تحت عنوان حملات بشردوستانه تا حدود زیادی این مسأله را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. به نظر می‌رسد در این زمینه نیز حقوق بشر اسلامی تا حدود زیادی از حقوق بشر غربی مؤثرتر عمل می‌نماید، چنانچه در این زمینه، تنها زمانی حکم به جهاد و جنگ می‌دهد که عده‌ای تحت ستم و ظلم واقع شوند و یا این‌که عده‌ای خواهان ایجاد فتنه بر روی زمین و مقابله با دین

به نظر می‌رسد با توجه به تأکیدات قرآن کریم درباره برقراری عدالت، حقوق بشر اسلامی به خوبی می‌تواند اصل عدالت را به عنوان یکی از مبانی اساسی حقوق بشر مد نظر خود معرفی نماید، ضمن این‌که عدالت در حقوق بشر اسلامی، وجوه متعددی دارد. همانطور که در یکی از آیات این‌گونه بیان شده است: «وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛ برای هر امتی، رسولی است؛ هنگامی که رسولشان به سوی آنان بیاید، به عدالت در میان آن‌ها داوری می‌شود و ستمی به آن‌ها نخواهد شد!» (۲۰).

بر همین اساس، عدالت یکی از ارکان حقوق بشر اسلامی است که حتی خداوند متعال در راستای برقراری آن از مؤمنان می‌خواهد که تنها به عدالت گواهی بدهند و حتی در این راه برای خدا قیام کنند، حتی حدیث مشهوری از حضرت رسول اکرم (ص) نقل شده است که ایشان می‌فرمایند: «حکومت و زمامداری با کفر باقی می‌ماند، ولی با ظلم و ستم باقی نمی‌ماند» (۳۴).

بر این اساس، حکومت اسلامی باید بر مبنای قسط و عدل شکل گیرد، چنانچه بیان می‌شود: «لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد» (۲۰).

بر این اساس، در حقوق بشر اسلامی، مسأله قسط و عدل حتی در صورت مواجهه با غیر مسلمانان نیز مورد توجه قرار گرفته است. مطابق آیه شریفه فوق، گروه دیگر کسانی‌اند که با مسلمانان سر جنگ ندارند و در عین کفر و انحراف عقیدتی، رفتاری خصمانه با جامعه اسلامی در پیش نمی‌گیرند. برقراری پیوند با این گروه و نیکی کردن به آنان منعی ندارد و رعایت عدالت در تعامل با آن‌ها محبوب خداوند است (۳۵).

یکی دیگر از ابعاد عدالت در حقوق بشر اسلامی، عدالت قضایی است که امروزه نیز بسیار مورد توجه است. همانطور که

جنگ و بعد از جنگ از آسیب‌دیدگان و نیازمندان است، مانند احکام مربوط به امنیت مرزها (۳۸)، امنیت راه‌ها (۳۷). تعیین مجازات برای برهم‌زنندگان نظم عمومی، وجوب دفاع از سرزمین‌های اسلامی، امنیت دشمن در صورت امان‌خواهی و امنیت اسیران، سفیران، اقلیت‌ها، عبادتگاه‌ها، زنان و کودکان، غیر نظامیان، درختان و مزارع حیوانات به هنگام جنگ از آسیب‌رساندن به این اقشار و اماکن و مزارع در فقه بشردوستانه اسلام به طور مشخص نهی شده است (۳۸). بنابراین موارد گفته‌شده همگی در جهت رعایت یک اصل کلی بنام حفظ امنیت است.

به علاوه دین اسلام، منظومه کاملی از صلح جهانی را ارائه می‌دهد که برخلاف دسائس شیطانی، خواستار ایجاد آرامش میان ملت‌هاست و از نقشه‌های شیطانی برای ایجاد تفرقه میان مردم به دور است، جایی که بیان می‌دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی در صلح و آشتی در آید! و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست» (۲۰).

در این آیه بر ضرورت پرهیز از اوامر شیطان که به فساد دعوت می‌کند، بدیهی است. بنابراین آموزه‌های اسلامی ضمن تأکید بر رعایت نظم و قانون و جلوگیری از فتنه و هرج و مرج، نوع خاصی از صلح را مطرح می‌کند که حافظ کرامت انسان‌ها و حفظ نظام اسلامی باشد. بر همین مبنا، پیروی از حکومت الهی و دوری از فتنه‌گری شیطان، برای برقراری صلح امر مهمی است، حتی شیخ طوسی بر این عقیده است: «در پرتو یک حکومت است که جامعه از ناامنی و بی‌نظمی‌های می‌یابد» (۳۹). با این وجود، در قرآن کریم به پیامبر گرامی اسلام (ص) توصیه شده که در هر صورت، همواره آغوش خود را به روی صلح و آرامش باز بگذارد تا نقشه‌های پلید صلح‌نمایان بر ملا گردد. در این مورد، آیه شریفه چنین بیان می‌کند: «وَ إِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ

خدا باشند. مصادیق این موضوع در آیات زیر مشهود است، جایی که آیه شریفه صراحت بیان می‌کند: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است، چراکه مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا بر یاری آن‌ها تواناست» (۲۰).

بنابراین آیه فوق نشان می‌دهد که فرمان جهاد در اسلام، صرفاً ماهیتی دفاعی دارد و هرگز بدون دلیل از مسلمانان نمی‌خواهد وارد جنگ و مبارزه شوند. علاوه بر مسأله ظلم و ستم و فرمان جهاد، هنگامی که فتنه‌ای بر پا می‌شود و دین خدا در معرض خطر قرار می‌گیرد، فرمان جهاد صادر می‌شود. آیه زیر به این موضوع اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ؛ و با آن‌ها بپیکار کنید! تا فتنه (و بت‌پرستی و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند و دین، مخصوص خدا گردد، پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آن‌ها نشوید! زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست» (۲۰).

بر اساس آیات فوق، دفاع مشروع در اسلام امری واجب است و از آنجا که دفع فتنه از جامعه اسلامی امر مهمی است، مقابله با دشمنان نیز یک ضرورت است. شیخ طوسی در این باره می‌فرماید: «هرگاه دشمنی با هدف تجاوز به سرزمین اسلامی حمله کرد، وظیفه دفاع بر همگان واجب است و می‌بایست به دفاع برخیزند» (۳۶). بنابراین مسأله جهاد و دفاع مشروع در نزد فقه شیعه آنچنان مهم است که برخی فقهای مشهور از جمله علامه حلی بر این عقیده هستند که «هرگاه ولی امر مسلمین مصلحت بداند، شخص خاصی در جهاد شرکت کند، شرکت در جهاد بر او واجب می‌شود» (۳۷).

علاوه بر مسأله دفاع و جنگ، دلایل و عوامل آن، در فقه هم، مقررات فراوانی در مورد ابعاد مختلف امنیت برای آحاد مردم وجود دارد که بخش زیادی از آن در ارتباط با حمایت پیشگیرانه از تهدید امنیت انسانی و حمایت‌های در زمان

چنین نقل شده است: «کَلِّمُوا رَاعٍ، وَ كَلِّمُوا مَسْئُولًا عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ هر کدام از شما مسؤول هستيد و درباره افرادی که به سخن شما گوش می‌دهند، بازخواست خواهید شد» (۳۰).

بر همین مبنا، حقوق بشر اسلامی، علاوه بر حقوق، به مسؤولیت‌های انسان در قبال رفتارها و اعمالش توجه نشان می‌دهد و از آنان می‌خواهد که با اختیار و آزادی و انجام اعمال صحیح، سعادت خویش را رقم بزنند. برای مثال، در بُعد مسؤولیت‌پذیری، قرآن کریم از شهروندان می‌خواهد که با انجام عمل «انفاق»، زمینه‌ها را برای کمک به هم‌نوعان خویش فراهم سازند. همانطور که در آیه شریفه چنین بیان می‌کند: «آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ أَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلْنَا لَكُمْ مَسْئَلًا فِيهِ قَالُوا لَنْ نَنْفِقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ؛ به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده (خود) در آن قرار داده انفاق کنید، (زیرا) کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی دارند!»

در آموزه‌های حقوق بشر اسلامی، سعادت حقیقی انسان‌ها با زدودن خرافات و بهره‌گیری از عقل و دانش حقیقی (الهی) صورت می‌گیرد که تفاوت‌های محسوسی با عقل سکولار و ناب غربی دارد، زیرا در آموزه‌های اسلامی، دانش حقیقی، زنده کننده جان و روشن‌کننده خرد و نابودکننده جهل است (۴۲). بنابراین هنگامی که مسیرها برای انسان‌ها مشخص شده است، تعدی و نافرمانی از آنان، نوعی عدم مسؤولیت‌پذیری است. بدین ترتیب زمانی که انسان‌ها تابع هوی و هوس و اطاعت از هوای نفسانی شده‌اند، نه تنها مسؤولیتی در خود نمی‌بینند، بلکه در نهایت آسیب‌های متعددی بر خود و جامعه وارد می‌سازند. این موضوع در حقیقت همان «شقاوت» است که انسان‌ها را نسبت به امور مختلف بی‌تفاوت می‌سازد. از این منظر، بالاترین شقاوت برای انسان، ترک عبادت خداکردن، مشغول به اطاعت غیر خداشدن، سرپیچی از دلیل و برهان و انجام کارها بر اساس هوی و هوس نفسانی است (۴۳).

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ و اگر [دشمنان] تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح در آی و بر خدا توکل کن که او شنوا و داناست» (۲۰).

بنابراین مسأله صلح در دین اسلام و آموزه‌های حقوق بشر اسلامی بسیار مهم است و قرآن کریم از همگان می‌خواهد که از در صلح و آشتی درآیند. بدین ترتیب صلح و امنیت در منظومه حقوق بشر اسلامی آنچنان حائز اهمیت است که با مسأله رحمت الهی نیز پیوند خورده است. در همین راستا، از حضرت علی (ع) روایت شده که پیامبر گرامی اسلام (ص) به او سفارش‌هایی کرده که از جمله فرمود: «صلحی را که دشمن پیشنهاد داده، رد نکن، زیرا برای سپاهیان، آسایش و از شدت فشار و اندوه آنان کاسته و موجب امنیت کشور می‌شود» (۴۰). همچنین امام علی (ع) در این مورد می‌فرماید: «هدف از مبارزه با طغیان جاهلی، استقرار امنیت برای ستمدیدگان است» (۲۸). بنابراین برقراری امنیت در داخل کشور و در مرزها و حفظ کشور از هرگونه تجاوز و ناامنی از اهداف اساسی آن حضرت شمرده می‌شود (۲۹). بدین ترتیب حقوق بشر اسلامی در زمینه صلح و امنیت و ایجاد سازش و آرامش میان شهروندان، دارای آموزه‌های متقن و قابل دفاعی است که برخلاف حقوق بشر غربی و حقوق بشردوستانه، ابزاری برای توجیه جنگ و خونریزی محسوب نمی‌شوند.

۶- مسؤولیت و تکالیف در حقوق بشر اسلامی

یکی از انتقادات اساسی وارد شده بر حقوق بشر غربی، غلبه فردگرایی بر آن و همچنین توجه به حقوق به جای مسؤولیت و تکالیف شهروندی است. در این نقد، لیبرالیسم به مثابه یک نظریه دوگانه معرفی می‌شود که تنش میان فرد و جامعه را پیش‌فرض قرار می‌دهد. این «دوگانه‌باوری اساسی» می‌تواند سبب‌ساز یک سلسله مشکلات دیگر شود. یکی از این دوگانگی‌های لیبرال، تقابل آشکار میان حقوق و مسؤولیت‌هاست (۴۱).

به نظر می‌رسد حقوق بشر اسلامی با مبنا قرار دادن اصل «كَلِّمُوا رَاعٍ، وَ كَلِّمُوا مَسْئُولًا»، نقش مهمی به مسؤولیت‌پذیری شهروندان در قبال اعمال آنان اعطا می‌کند، چنانچه در این زمینه از پیامبر گرامی اسلام (ص)

نتيجه‌گيرى

پژوهش حاضر در راستاى پاسخگويى به اين سؤال طراحى شد كه مزيت‌هاى حقوق بشر اسلامى نسبت به حقوق بشر غربى كدام است؟ بررسى حاضر نشان داده است كه حقوق بشر موضوعى گسترده و همه‌جانبه است و بررسى ابعاد آن در حوزه‌هاى اقتصادى، سياسى، فرهنگى و اجتماعى حاكى از اهميت و جاىگاه والاي آن است. بر اين اساس، حقوق بشر غربى كه امروزه مبنائى براى حقوق بشر جهانى و اعلاميه‌هاى حقوق بشر در نظر گرفته مى‌شود، در محورهاي خاصى نظير عدالت، آزادى، كرامت انسانى، صلح و امنيت و همچنين حقوق و مسؤليت‌ها مى‌تواند قابل مقايسه با حقوق بشر اسلامى باشد. از مهم‌ترين نتايج حاصل‌شده در اين مقايسه مى‌توان اين گونه بيان كرد كه حقوق بشر اسلامى در حوزه‌هاى عدالت بر ابعاد مختلف عدالت اعم از عدالت سياسى، اقتصادى - اجتماعى و قضائى تأكيد مى‌كند؛ در حوزه آزادى، برخلاف آزادى مطروحه در حقوق بشر غربى كه تنها اندیشه‌هاى ليبرالى را مستحق روادارى مى‌دانند، بر عقايد و مذاهب گوناگون به ديده احترام مى‌نگرد و بر مبنائى اصل «عدم كراهت»، آزادى انسانى را محترم مى‌شمارد. به علاوه، در مسأله كرامت انسانى، حقوق بشر اسلامى نقش مهمى به كرامت فطرى و كرامت اكتسابى مى‌دهد و بر مبنائى كرامت اسلامى از مؤمنان مى‌خواهد كه به عنوان «خليفه الله» نقش سازنده خود را براى سعادت دنياوى و اخروى ايفا نمايند.

همچنين مزيت ديگر حقوق بشر اسلامى اين است كه به جاى تأكيد صرف بر حقوق، مسؤليت‌ها را مورد توجه قرار مى‌دهد و توصيه مى‌كند كه بشر، مسؤليت اعمال خويش را بر عهده بگيرد و از انجام اعمال خويش سر باز نزند، حتى مى‌توان مسأله مسؤليت‌پذيرى را يكي از وجوه تأثيرگذار حقوق بشر اسلامى دانست كه با توجه به ايرادات واردشده بر حقوق بشر ليبرالى قادر به طرحى نوين در عرصه حقوق بشرى است تا شهروندان را نسبت به اعمال خويش آگاه سازد. به علاوه اين‌كه در عرصه صلح و امنيت، حقوق بشر اسلامى، نه‌تنها جنگ را نكوهش مى‌كند، بلكه در راستاى اصل جهاد و

از طرفى ديگر، با وجود نهادهاى همانند عقل، اراده، امكان سفر و پندگيرى از گذشتگان، دليلى براى پيمان‌شكنى به عنوان يكي از محاسن اخلاقى در عرصه زندگى مؤمنان وجود ندارد و از اين جهت كسانى كه عهد خود را مى‌شكنند، مورد سرزنش خداوند قرار مى‌گيرند. صاحب جواهر در نقد رفتار پيمان‌شكنانه چنين بيان مى‌كند: «پيمان‌شكنى به خودى خود قبيح است و به علاوه موجب بيزارى مردم از اسلام مى‌شود» (۴۴).

بدين ترتيب آزادى و مسؤليت در حقوق بشر اسلامى به هم پيوسته هستند و تا زمانى كه انسان از آزادى و اختيار برخوردار است، مسؤليت سنگينى در قبال رفتارهاى خود در عرصه‌هاى فردى و اجتماعى دارد، هم‌چنانكه در حقوق بشر اسلام، مسؤليت امرى فردى نيست، بلكه مصالح خاص انسان با مصالح جامعه كه اسلام آن را تعيين مى‌كند، پيوند خورده است و مهم‌ترين تأثير را بر همسوكردن مصالح فردى و اجتماعى مى‌گذارد (۴۵). در همين راستا، قرآن كريم از بندگان مى‌خواهد كه در روى زمين فساد ايجاد نكنند: «وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ و در زمين، به فساد نكوشيد» (۲۰).

به همين دليل در آموزه‌هاى حقوق بشر اسلامى بر دفع فساد به عنوان يكي از وظائف حكومت نيز تأكيد شده است. به تعبير شيخ طوسى: «اگر در حكومتى امنيت و نظم برقرار نباشد، فساد همه جا را فراخواهد گرفت» (۴۰). بنابراين مى‌توان «مسؤليت‌پذيرى» را يكي از آثار مهم حقوق بشر اسلامى برشمرد كه امروزه مى‌تواند بشر را نسبت به پيامدهاى اعمال خويش در حوزه‌هاى مختلف نظامى، محيط زيستى، جنگى و اقتصادى آگاه سازد، چنانچه قرآن كريم، سرنوشت شقاوت و سعادت هر انسانى را در گرو انجام مسؤليت‌هاى خويش مى‌داند و اين‌گونه بيان مى‌كند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقْوُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ؛ اى كسانى كه ايمان آورده‌ايد! خود و خانواده خويش را از آتشى كه هيضم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه داريد» (۲۰).

مقابله با فتنه‌ها و برقراری حاکمیت حق از مؤمنان می‌خواهد که از ارزش‌های الهی دفاع کنند، ضمن این‌که اصول صلح و سازش نیز به خوبی در شرایط خاص خویش در آیات قرآنی بیان شده است. همچنین قول، فعل و تقریر پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصوم (ع) نیز بر این ایده مطلوب حقوق بشری صحه می‌گذارند. بنابراین حقوق بشر اسلامی در زمینه‌های مختلفی از جمله آزادی، عدالت، کرامت انسانی، صلح و امنیت، مسؤولیت‌پذیری با توجه به رویکردهای الهی و دینی می‌تواند جایگزین کامل‌تر و مناسبی برای ایده حقوق بشر غربی در نظر گرفته شوند.

References

1. Forogi H. Internationalization of Human Rights and Changes in the Concept of State Sovereignty in the Age of Globalization. *Journal of Islamic Human Rights* 2012; 1(1): 147-172.
2. Danli J. The Human Rights Position in International Relation Theories. Translated by Ejtehad AM. *Journal Foreign Policy* 1999; 13(3): 651-667.
3. Ahmad Ebn F. Moajam Maghbi al-Loghat. Qom: Publications Islamic Propagation Office; 1987.
4. Mostafavi H. Research in Words Holy Quran. Tehran: Publications Ministry of Culture and Islamic Guidance; 1989. [Persian]
5. Mesbah Yazdi MT. Law and Political in Quran. Qom: Publications Educational and Research Institute Imam Khomeini; 1998. [Persian]
6. Javan Arasteh H. Islamic Rights in Islam. Qom: Publications University and Field Research; 2018. [Persian]
7. Rageb Isfahani HA. Mofradat Alfaza Quran. Beirut: Publications Dar al-Elm; 2001.
8. Falsafi HA. Development and Enforming Human Rights in the international Community. *Journal of Legal Research University of Shahid Beheshti* 1995; 1(17): 17-39. [Persian]
9. Mohaghegh Damad M. International Humanitarian Law. Tehran: Publications Islamic Science; 2003. [Persian]
10. Jaafari Langroodi MJ. Terminology of Law. Tehran: Publications Ganj Danesh; 1998. [Persian]
11. Bigdeli MR. Friendly Human Rights and International Human Rights. Tehran: Publications Nasim; 2003. [Persian]
12. Naserzadeh H. Human Rights Declarations. Tehran: Publications Majed; 1993. [Persian]
13. Mozafari MH. Islamic Countries and Human Rights. Tehran: Publications Baz; 2008. [Persian]
14. Rorty R. Human Rights, Rationality and Sentimentality. In Book Paternal Language. Translated by Niko Bandari A. Tehran: Publications Tarjoman; 2015.
15. Bernal P, Randal V. Third World Issues; Politics in the Developing World. Translated By Saie A, Mirtorabi S. Tehran: Publications Ghomes; 2010.
16. Taylor CH. Identification policy in Multicultural Societies. Translated By Khadiv T, Rizvandi S. Tehran: Publications New Rokhdad; 2013.
17. Mouffe CH. Wich Word order: Cosmopolitan or multipolar?. In Book Paternal Language. Translated By Zolghadri MM. Tehran: Publications Tarjoman; 2015.
18. Amidzanjani AA. History of Human Rights in Islam. *Journal Faculty of Law and Political Science* 1991; 27(45): 25-42. [Persian]
19. Javadi Amoli A. Philosophy of Human Rights. Qom: Publications Osaraa; 2003. [Persian]
20. Holy Quran. Baghare: 256; Kahaf: 29; Anfal: 53; Nesaa: 1; Hojarat: 13; Anbiaa: 92; Osara: 70; Hadid: 25; Yonos: 47; Maedeh: 8; Nesa: 58; Showra: 38; Anfal: 61; Hojarat: 10; Tahrim: 6; Haj: 30; Baghare: 193; Momtaheneh: 8; Baghareh: 208; Rom: 9; Aaraf: 74- 189; Hadid: 7; Sajdeh: 9; Mohammad: 24.
21. Tabatabaie MH. Interpretation al-Mizan. Qom: Publications Howze Elmienh; 2000.
22. Jaafari MT. Jurisprudential Messengers. Tehran: Publications Keramat; 1997.
23. Bagherzadeh MR. A Comparative look at the Universality of Human rights in Islam. *Magazin Maarefat* 2003; 1(82): 21-39. [Persian]
24. Noori Hamadani H. The Position Women in Islam. Qom: Publications Mahdi Mowood; 2003. [Persian]
25. Salimi A. Islam is the true origin of International Law. *Journal of Islamic Law* 2015; 12(7): 79-112. [Persian]
26. Azimi Shushtari AA. General Terms and Condition of War and Defens in Islam. *Journal Mesbah* 2013; 6(22): 15-33. [Persian]
27. Hakim M. The Rituals of warfar or warfar in Islam. *Journal Articles and Reviews* 1999; 6(65): 39-61. [Persian]
28. Imam Ali. Nahjol al-Balage. Translated By Dashti M. Qom: Publications Mashhur; 1999.
29. Emami M, Shopay Jooybari RA. Encyclopedia of Islam and International Humanitarian Law. Tehran: Publications Mizan; 2016. [Persian]
30. Majlesi MB. Bahar al-Anwar. Beirut: Publications Daro al-Ehya Altrath al-Ararabi; 1988.
31. Kolini MY. Osol Kafi. Tehran: Publications Dar al-Ketab al-Islamieh; 1986.
32. Barzanooni MA. The Legal Consequences of the war on Land Islam and Contemporary International Law. *Journal Law Magazin* 2003; 1(23): 265-302. [Persian]
33. Motahari M. A look at the economics of Islam. Tehran: Publications Sadra; 1994. [Persian]

34. Sheikh Mofid MM. Al-Amali. Mashhad: Publications Astan Qods Razavi; 1995.
35. Makarem Shirazi N. Nemoneh Interpration. Tehran. Publications Islamic Dar al-Ketab; 1994.
36. Toosi MH. Al-Mabsout. Corrected by Behboodi MB. Tehran: Publications al-Maktab al-Mortazavieh; 2009.
37. Helli HY. Ghvaed al-Ahkam. Qom: Publications Howzeh Elmiyeh; 1992.
38. Toosi MH. Al-Mabsoot fi al-Emamieh Jurisprudence. Corrected by Kashfi MT. Tehran: Publication al-Makab al-Mortazavieh; 2008.
39. Toosi MH. Al-Hadi Economic. Tehran: Publications Chehel Soton; 1979.
40. Noori MH. Mostadrak al-Vasel. Beirut: Publications al-Albeyt; 1987.
41. Falks K. Citizenship. Translated by Delforooz MT. Tehran: Publcations Kavir; 2011.
42. Tamimi Amadi AM. Gorar al-Kalam and Dorar al-Kalam. Qom: Publications Dar al-Ketab Islami; 1989.
43. Tabarsi AA. Majmaa al-Bayan. Beirut: Publications Dar al-Maarefat; 1986.
44. Najafi MH. Jawahir al-Kalam. Beirut: Publications Darolehya al-Tarath al-Arabia; 1981.
45. Namazi H. Economic systems. Tehran: Publications Sahami Enteshar; 2005. [Persian]